

دوره جدید مشارکت سیاسی زنان در مدیریت سیاسی ایران با تاکید بر اندیشه امام خمینی

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی فرصتی ایجاد نمود تا مسئله مشارکت سیاسی مورد بازنگری قرار گیرد. رهبری انقلاب به عنوان یک متفکر برجسته همواره خواهان افزایش مشارکت زنان در عرصه های گوناگون سیاسی و اجتماعی بودند. در این پژوهش تلاش میشود تا بر اساس گفتمان امام خمینی در دو دوره ی قبل و بعد از انقلاب، مشارکت سیاسی زنان در مدیریت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. برای این پژوهش با روش کتابخانه ای و اینترنتی به تحلیل و بررسی گفتار، متون و سخنرانی های امام در رابطه با مشارکت سیاسی زنان می پردازیم. یافته های پژوهش حاکی از این است که انقلاب اسلامی و به ویژه با تلاش های امام خمینی زمینه مساعدی جهت بازنگری و استیفای حقوق زنان فراهم گردید به طوری زنان توانستند به شکل چشمگیری مشارکت سیاسی خود را ارتقا بخشیده و در حوزه مدیریت سیاسی سهم قابل توجهی کسب کنند.

کلیدواژه ها: امام خمینی، زن، مشارکت سیاسی، انقلاب اسلامی، گفتمان

1- مقدمه:

مشارکت سیاسی زنان موجب شکوفایی استعدادها و توانایی های بالقوه نیمی از جمعیت جامعه می گردد و می تواند زمینه توسعه و ثبات و پیشرفت را به وجود بیاورد. مشارکت سیاسی به درک زنان از زندگی اجتماعی کمک کرده است و آنها را به عنوان عناصری موثر در خدمت جامعه در می آورد و به آنها ارزش و نگرش ها و داده های جدید می دهد، مشارکت سیاسی زنان به توسعه جامعه می انجامد (بشیریه، 1372، 212). انقلاب اسلامی ایران بدون شک سهم بزرگی در شکل گیری هویت ملی و مذهبی جامعه ایران داشته و از این رو بررسی و شناخت همه ابعاد آن بسیار مهم است. علارغم پژوهش های گسترده داخلی و خارجی درباره نقش و جایگاه زنان طبق اندیش امام خمینی، چگونگی مشارکت زنان در مبارزات انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی پس از آن و همچنین بازنگری در حقوق زنان و دخالت آنان در مدیریت سیاسی بعد از انقلاب کمتر مورد بررسی گفتمانی قرار گرفته است.

در جوامعی همچون ایران که نهاد خانواده هنوز رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد، زنان شاید به لحاظ کمی نیمی از جمعیت جامعه باشند اما به لحاظ کیفی با نقش مؤثری که در چارچوب خانواده در زمینه امور تربیتی ایفا می کنند، جایگاهی فراتر از شاخصه های ظاهری مشارکت سیاسی را در امر توسعه سیاسی دارا هستند. از این رو، باید به ظرفیت و توانمندی های زنان به عنوان زیرساختی مؤثر برای توسعه مشارکت سیاسی توجه کنیم. در ایران با توجه به اینکه استقرار نظام جمهوری اسلامی در عرصه نظر و عمل برگرفته از دیدگاه امام خمینی است، بنابراین سیری در اندیشه های امام خمینی در خصوص مشارکت سیاسی زنان جایگاهی با اهمیت را در برنامه ریزی های پژوهشی دارا می باشد (آل غفور و کاشف الغطاء، 1387، 148).

امام خمینی با ارائه الگوهای شایسته و بهره مندی از کلام خداوند فرصت تازه ای در اختیار زنان قرار داد تا ضمن حفظ کرامت، ارزش و معرفت واقعی خود، در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور تحول آفرین باشند (قادری، 1399، 79). گفتار، سخنرانی ها و متون بر جای مانده از امام خمینی به عنوان برجسته ترین نخبه سیاسی و مذهبی زمانه خود و مهمترین تدوین کننده گفتمان اسلامی در مورد جایگاه زنان سیار حائز اهمیت است. نگاه جدید ایشان به نقش و اهمیت حضور زنان در مدیریت سیاسی در سال های پایانی حکومت پهلوی تأسیس و در دوران رهبری ایشان در نظام جمهوری اسلامی تثبیت شده است. بر این اساس،

پس از طرح چهارچوب مفهومی، مهمترین محور های دیدگاه امام خمینی درباره زنان را در دو دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب در بخش های اتمی مقاله به بحث خواهیم گذاشت (نیک خواه قمصری و صادقی فسائی، 1391، -6). در پژوهش حاضر، روش طرح پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از جمع آوری منابع کتابخانه ای و اینترنتی به بررسی موضوع پرداخته شده است.

2- بحث:

چارچوب مفهومی

انقلاب اسلامی همانند نقطه عطفی، تحولات سیاسی اجتماعی عمیقی را در پی داشت که زنان نیز از این تحولات برکنار نبودند. نحوه مشارکت زنان در پدیده ی انقلاب اسلامی، دیدگاه رژیم پهلوی به زنان و نحوه ی حضور و مشارکت آنان در عرصه ی سیاسی اجتماعی در این دوره و دیدگاهی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در استمرار مشارکت سیاسی اجتماعی زنان شکل گرفت یکی از موضوعاتی است که به درک عمیق تر پدیده انقلاب اسلامی، شناخت نقش رهبری امام خمینی و اندیشه ایشان در پیروزی انقلاب اسلامی کمک خواهد نمود (وکیلی، 1400، 141).

پژوهش حاضر در قالب نظریه تحلیل گفتمان به بررسی گفتمان امام خمینی درمورد مشارکت سیاسی زنان در امر مدیریت سیاسی می پردازد. در این پژوهش گفتمان امام شامل گفتار، متون، سخنرانی ها و سیره عملی امام خمینی می گردد. به طور کلی مفروضات اصلی نظریه تحلیل گفتمان به شرح ذیل می باشد:

1- متن یا گفتار واحد توسط انسان های مختلف، متفاوت نگریسته میشود. یعنی انسان های مختلف از متن واحد برداشت یکسان و واحدی ندارند. دالی متفاوت میتواند برای اشاره به مدلولی ظاهرا یکسان استفاده شود. 2- خواندن (برداشت و تفسیر از متن) همیشه نادرست خواندن (برداشت نادرست از متن) است. 3- متن به عنوان یک کل معنادار نگریسته میشود و این معنا الزاما در خود متن نیست. 4- هیچ متن خنثی یا بی طرفی وجود ندارد، متن ها بار ایدئولوژیک دارند. 5- حقیقت همیشه در خطر است. در هر گفتمانی حقیقت نهفته است اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست. 6- نحو در یک متن معنادار است، چون نحو دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است و این معانی در جای خود به عواملی که دال ها را می سازند مانند: رمزها، بافت ها، مشارکت ها و تاریخ مختلف وابسته اند. 7- معنا همانقدر که از متن ناشی

میشود، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز تاثیر می پذیرد. معنا و پیام یک متن در بین نوشته های آن متن قرار دارد. 8- هر متنی در شرایط و موقعیت خاصی تولید میشود. از این رو رنگ خالق خود را همیشه به خود دارد. 9- هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است. 10- گفتمان سطوح و ابعاد متعدد دارد و یعنی نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان (یحیایی ایله ای، 1390، 60-61).

تحلیل گفتمان به عنوان یک گرایش مطالعاتی میان رشته ای از دهه 1960 به طور روز افزونی توجه خود را به ساخت و کارکرد اجتماعی زبان به عنوان پدیده ای تاریخی و فرهنگی معطوف نمود و مدعای فلسفی زبان شناسی ساختارگرا و پساساختارگرا مبتنی بر ساخت و تغییر واقعیت از طریق زبان را به عنوان نقطه عزیمت خود قرار داد، به دلیل بنیان های نظری متنوع استفاده عمومیت یافته مفهوم گفتمان در رشته های مختلف و کاربرد آن در سطوح متفاوت نظریه پردازی و روش شناختی، با طیفی از رهیافتهای گوناگون تحلیل گفتمان مواجه هستیم که به رغم اشتراک در مفروضات نظری و هستی شناختی، هر یک از استراتژی ها و رویه های متفاوت در پژوهش بهره می گیرند و بدیهی است انتخاب هر رویکرد به طور خاص یا ترکیبی از این رویه ها، در تحلیل چگونگی تحول مورد نظر در هویت زن به تعریف پذیرفته شده از گفتمان و رهیافت نظری اخذ شده بستگی خواهد داشت (یورگنسون و فیلیپس، 2002، 4).

روث وداک به عنوان یکی از صاحب نظران تحلیل انتقادی گفتمان، در رویکرد تاریخی-گفتمانی خود، با تاکید بر ضرورت تئوریزه کردن، توصیف ساختارها و فرآیندهای اجتماعی خالق متن و سوژه های اجتماعی-تاریخی استدلال می کند که همه اطلاعات پس زمینه ای (تاریخی) برای تحلیل و تفسیر لایه های گوناگون متن گفتاری یا نوشتاری می بایست به طور نظام مندی ب هم گره زده شوند (وداک، ب 2001، 67). در این رویکرد، تمامی بافت های تاریخی گفتمان در فرآیند تولید و تفسیر متن مورد توجه قرار می گیرد. وی همچنین بر این عقیده است که قدرت از زبان ناشی نمی شود بلکه زبان می تواند در اعمال قدرت یا به چالش کشیدن آن، مقاومت در برابر آن یا مغلوب کردن نهایی آن به کار رود (وداک، الف 2001، 12). به بیان دیگر وداک، مفهوم قدرت، تاریخ و ایدئولوژی را به عنوان مفاهیم کلیدی در تحلیل انتقادی گفتمان معرفی می کند.

وی با در نظر گرفتن زبان به عنوان شکلی از کردار اجتماعی (وداک، ب 2001، 65-66). وجود رابطه ای دیالکتیکی میان کردارهای گفتمانی-زبانی و حوزه های خاص عمل را (از جمله موقعیت، چارچوب های نهادی و ساختارهای اجتماعی) که کردارهای گفتمانی درون آن ها جای میگیرند مفروض می گیرد. به عبارت دیگر وداک، گفتمان ها را هم به مثابه کردارهای اجتماعی-گفتمانی و هم غیرگفتمانی و به عنوان پی ساخته های آن ها در نظر می گیرد.

وداک گفتمان را امتزاج پیچیده ای از کنش های گفتمانی می داند که به طور هم زمان و پی در پی با هم مرتبط بوده و خود را درون و میان حوزه های اجتماعی کنش، ژانرها، نشانه ها و متون گفتاری یا نوشتاری نشان می دهند (وداک، ب 2001، 65). به عقیده وی، این روابط در واکنش های سیاسی که در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با قدرت و ایدئولوژی شکل می گیرند، نمایان می شوند. به طور کلی مهمترین مفروضات نظری تحلیل تاریخی-گفتمانی وداک را می توان به شرح زیر برشمرد:

1 زبان پدیده ای اجتماعی و دارای کارکردی سیاسی است؛ 2 نه تنها افراد، بلکه گروه ها و نهادهای اجتماعی نیز معانی و ارزش های مخصوصی دارند که در زبان مورد تاکید قرار می گیرد؛ 3 متن ها، قطعه های زبانی یک ارتباط هستند که در پیوندی تنگاتنگ با سایر اطلاعات پس زمینه ای تولید، تثبیت و یا متحول می شوند؛ 4 خواننده/ شنونده در رابطه با متن، مصرف کننده منفعل نبوده و همواره در بازتولید یا به چالش کشیدن روابط قدرت مندرج در آن کنش سیاسی فعالی را نشان می دهند؛ 5 کاربردهای متعدد زبان در سطوح و متون مختلف همواره حول محور خاص در راستای حفظ یا تغییر وضعیت تاریخی مشخصی عمل می کند (نیک خواه و صادقی فسائی، 1391، 8).

تعریف مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از ارکان دموکراسی است و برای سنجش میزان حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی شان از این شاخص استفاده می شود (شیخ زاده و آصفری، 1399، 9). مشارکت سیاسی به دلیل تأثیری که در سنجش و مشروعیت و کارآمدی یک نظام سیاسی دارد اهمیت ویژه ای می یابد (علی حسینی، 1394، 8).

به همین دلیل نظام های سیاسی تلاش می کنند تا از تمام نیروی انسانی خود بهره گیرند و با فعال کردن آن ها در حوزه یمشارکت سیاسی ضمانت ثبات پذیری و بهبود ساز و کارهای اجرایی خود را به دست گیرند (ابطحی و شهرپاری، 1393، 266). افزایش مشارکت سیاسی نشانگر کاهش بی تفاوتی افراد جامعه نسبت به سرنوشت سیاسی و حرکت جامعه به سمت توسعه سیاسی می باشد (خسروی و همکاران، 1391، 101).

مشارکت سیاسی زنان در تقویت و یا تضعیف نظام سیاسی تأثیر مهمی دارد. مشارکت سیاسی از نظر مفهومی پدیده ای جدید و از ویژگی های دولت های مدرن است (سجادی، 1379، 73). در واقع این مفهوم پدیده ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه ی سیاسی را عملی می سازد. براساس تعریفی، شرکت کردن در

فرایندهای سیاسی که در نهایت منجر به گزینش رهبران سیاسی شود و سیاست عمومی را تبیین کند و یا بر آن تأثیر بگذارد مشارکت سیاسی نامیده می شود (ابراکرامی، 1367، 271).

مایرون واینر تعریف ذیل را از مشارکت سیاسی ارائه می دهد: مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل روش های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است. ساموئل هانتینگتون و جان ویلسون در کتاب مشترک خود در تعریف مشارکت سیاسی می نویسند: مشارکت سیاسی، کوشش های شهروندان غیردولتی برای تأثیر بر سیاست های عمومی است.

میلبراث شاخص های عملی را درمورد مشارکت سیاسی ارائه داده است که بررسی کیفیت مشارکت را در جوامع مختلف آسان می کند، از دیدگاه میلبراث مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر می گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد. به اعتقاد او توجه به محرک های سیاسی مانند خواندن و گوش فرا دادن به اخبار سیاسی و شرکت در مباحث سیاسی، رأی دادن، مبارزه طبقاتی، اداره امور سیاسی و منصب های حزبی در طیف مشارکت سیاسی قرار می گیرند (مصفا، 1375، 35). از مفهوم مشارکت سیاسی گاهی به منزله وسیله و گاهی به منزله هدف فعالیت های سیاسی استفاده می شود.

مهروترا مشارکت سیاسی را به حکومت و سیاست های آن محدود نمی کند و معتقد است مشارکت سیاسی حمایت های قانونی و غیرقانونی، شکل گیری مطالبات، بحث های سیاسی و دیگر ارتباطات گفتاری و رسانه ای که به حکومت مربوط است، نیز شامل می شود و در واقع فعالیت های سیاسی که در نهادهای خصوصی انجام می شود را نیز در بر می گیرد.

متفکرانی نیز وجود دارند که به مشارکت بسیجی مستقیم یا غیرمستقیم اهمیت می دهند. از نظر آنها در هر نظام سیاسی ترکیبی از مشارکت های خودجوش و بسیجی، منتها با درجات متفاوت وجود دارد. این ترکیب در نظام های مختلف یکسان نیست و در حکومت های دموکراتیک بیشتر از دیکتاتوری ها است. البته این فرض اشتباه است که تصور کنیم در نظام های اقتدارگرا به هیچ وجه مشارکتی وجود ندارد (احمدی، 1388، 122-123). زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه و نیروی فعال و محوری مطرح می شوند و می توانند با فعالیت دوشادوش مردان، سهم مهمی در توسعه و بهبود وضعیت کشور ایفا نمایند و پشتوانه ای مناسب برای فعالیت در سایر عرصه های مشارکت جوانانه تلقی شوند (امام جمعه زاده و همکاران، 1392، 110).

دوران قبل از انقلاب

دیدگاه امام خمینی در خصوص جایگاه زن، متناسب با منطق موقعیت و شرایط روز جامعه دچار تغییر و تحول شده است. این تحول به ویژه در دو مقطع زمانی قبل از انقلاب (دوره پهلوی) و بعد از انقلاب (جمهوری اسلامی) قابل مطالعه و بررسی است (استاک و همکاران، 1396، 9). امام خمینی از ابتدای دهه 1340 و آغاز برنامه های اصلاحی حکومت، به نگرش خاص و محدود رژیم نسبت به فعالیت های اجتماعی اعتراض نمود و مخالفت خود را با اقدامات رژیم در این زمینه اعلام داشتند و آن را نه خدمت به زنان بلکه در راستای فلج شدن امور معرفی می نمایند. بر همین اساس ایشان طی اظهاراتی خطاب به وعاظ و گویندگان مذهبی چنین می گویند: «از دخالت زن ها در اجتماع که مستلزم مفاسد بی شمار است ابراز انزجار کرده و دین خدا را یاری کنید و بدانید ان تنصروالله ینصرکم و یتبث اقدامکم.» (صحیفه امام، ج 1، 52).

ایشان در بخشی دیگر از بیانات خود اضافه می کنند: «زن مساوی مرد است. زن مانند مرد می تواند سرنوشت و مسئولیت های خود را انتخاب کند. اما رژیم شاه است که با غرق کردن آن ها در امور خلاف اخلاق می کوشد مانع آزادی زنان باشد و اسلام معترض به این امر است» (صحیفه نور، 1357، ج 2، 23). از نظر امام، اسلام با آزادی که با مفهوم «زن شئی شده» در جهت اهداف و مطامع دیگران مخالف است و حق انتخاب، فعالیت زنان و حاکم بودن آن ها بر سرنوشت خودشان را در فضایی سالم و اخلاقی ضروری می داند.

همچنین درمورد پیشنهاد ورود بانوان به انتخابات مجلس های ایالتی و ولایتی، امام معتقد بودند که این پیشنهاد بیشتر بهانه ای برای تحت شعاع قرار دادن معارضه رژیم با اسلام و قرآن می باشد و چنین اظهار می کنند: «دیدیم از وقتی که این دولت بی سواد و بی حیثیت روی کار آمد، از اول اسلام را هدف قرار داد. در روزنامه ها با قلم درشت نوشت که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده اند، لکن شیطنیت بود، برای انعکاس نظر عامه مردم به آن موضوع بود که نظرشان به الغای اسلام و الغای قرآن، درست نیفتد و لهذا در اولی که این جا ما متوجه شدیم و اجتماع شد و آقایان مجتمع شدند، توجه ما هم برای علاج کار در دفعه اول منعطف شد به همان قضیه، بعد که مطالعه کردیم، دیدیم اقا قضیه، قضیه بانوان نیست، این امر کوچکی است. قضیه معارضه با اسلام است.» (به نقل از تبیان، 1378، 27).

همچنین جای دیگری فرمودند: «مگر با چهار زن فرستادن به مجلس ترقی حاصل می شود؟ مگر مردها تا حالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زن هایتان ترقی درست کنند؟ ما می گوئیم این ها را در این مراکز فرستادن جز فساد چیزی نیست. شما بعد تجربه کنید، ببینید

بعد از ده سال، بیست سال، سی سال دیگر این ها را بفرستید. به خیال خودتان ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید. ما با ترقی زنان مخالف نیستیم. با این فحشا مخالفیم. با این کارهای غلط مخالفیم.» (به نقل از تبيان، 1378، 28). در واقع هدف امام از طرح این سوال پرداختن به این مسئله بود که آزادی افراد اعم از مردان و زنان در حیطه الفاظ و کلمات نیست، بلکه این امر مستلزم حرکت از حیطه حرف به حیطه عمل است. ایشان با درک دقیق علت تأکید رژیم بر حضور طیفی از زنان در برخی از مشاغل، فساد و فحشا حاصله را غیر قابل توجیه و نافی ترقی زنان عنوان می کند.

امام در بیانات خود (به نقل از تبيان، 1378، 42) به این نکته اشاره می کند که اسلام مراعات بانوان را در تمام جهات بیش از هر کس نموده و با احترام به حیثیت اجتماعی و اخلاقی آن ها مانع از اختلاطی می شود که مخالف عفت و تقوای زن است، نه آنکه آنان را در ردیف محجورین و محکومین قرار دهد. در این دوران به رغم آنکه زنان از برخی حقوق همچون حق انتخاب شدن و انتخاب کردن و مشارکت در برخی سطوح اجتماعی بهره مند شدند، اما فضای فاسد و ناامن موجود، تمایل بسیاری از زنان و خانواده های آنان را نسبت به حضور و فعالیت اجتماعی کم رنگ نمود و این امر متوجه برخی لایه های محدود اجتماعی در میان زنان شد. به بیان دیگر فعالیت زنان در لایه های پایین تر به فعالیت های خدماتی و جنبه های صوری محدود می شد و مشارکت سیاسی اجتماعی به طیف محدودی از زنان در میان بستگان و اقارب دربار که در سطوح عالیه فعالیت می کردند محدود بود نه توده زنان.

امام خمینی اگرچه به دلیل شرایط حاکم دوران پهلوی و سیاست هایی که طی دوران گذشته توسط رژیم شاه اعمال می شد، نسبت به حضور زنان در فعالیت های اجتماعی ابراز نگرانی می کردند اما در شرایط خاص ایجاد شده در سایه نظام اسلامی، خود مشوق ورود زنان به اجتماع و به دست گرفتن مقدرات خود می شوند و تأکید می کنند که «در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمامی جهاتی که مرد حق دارد زن هم حق دارد» و «تفاوت هایی که بین زن و مرد وجود دارد، به حیثیت انسانی آن ها ارتباط ندارد» (به نقل از تبيان، 1378، 62).

به طور کلی در این مقطع زمانی، امام خمینی در گفتار خود به مخالفت با گفتمان پیشرفت و ترقی شاه پرداختند. به عبارت دیگر اگر شاه آزادی و برابری حقوقی و اجتماعی زن را در کنار دیگر مفاد برنامه اصلاحات آمرانه و فرمایشی خود، وسیله ای برای بسیج زنان در برابر مخالفان سیاسی و مذهبی اش قرار داد؛ امام نیز از همین سنگر بر وی تاخت و اعطای حق رأی به زنان را با مسائلی چون فقر و فساد اقتصادی، اختناق و استبداد سیاسی، وابستگی

خارجی و سوء نیت بیگانگان پیوند زد و بدین گونه، زنان و مردان مسلمان را برای دفاع از اسلام علیه شاه بسیج کرد.

در واقع آنچه که بر مبنای کلام امام خمینی درمورد زنان مشخص می گردد، در اولویت قرار داشتن هویت انسانی زن و مرد و ضرورت رعایت شئون اسلامی به منظور ایفای نقشی فعال در سرنوشت اجتماعی خود و جامعه اسلامی در کنار مردان است، بر اساس همین نگرش زنان نیز در لیبیک گوپی به ایشان در اواخر دوره پهلوی به یکباره با حضور گسترده در صحنه تظاهرات و فعالیت های اجتماعی دیگر، سقوط رژیم پهلوی را رقم زدند و این در حالی است که مشارکت آن دسته از زنان که در طی دوره های گذشته محیط را مناسب حضور اجتماعی نمی یافتند، بیش از پیش جلب توجه می نماید. به عبارتی دیگر از این زمان به بعد امنیت خاطری که در سایه نظام اسلامی ایجاد شد موجب حضور و مشارکت زنان از صنوف، طبقات و سنین مختلف شد.

دوران بعد از انقلاب

امام خمینی همواره زنان را به حضور در صحنه های سیاسی و اجتماعی تشویق می کردند. ایشان با ارائه تصویر صحیحی از زن مسلمان، زنان مسلمان ایرانی را به تداوم حضور سیاسی مؤثر در چارچوب اسلام دعوت کرد. این بستر موجب پرشی تاریخی برای تجربه مشارکت سیاسی زنان بعد از انقلاب گردید (کاشف الغطاء، 1389، 37).

در نخستین ماه های پیروزی انقلاب اسلامی، امام قاطعانه اعلام می کند «اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می دهد. این خرابه ای که برای ما گذاشته اند، باید به دست همه ملت ایران، چه مردان و چه زنان ساخته شود و در این برهه جدید زنان باید در سیاست های مملکت دخالت کنند و هر موقع که اقتضا کند نهضت و قیام کنند. و یا در فراز دیگر اظهار می دارند: «زنان حق رأی دارند، این مسائلی که ما برای زنان قائل هستیم از غرب بالاتر است، حق رأی دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند.» (به نقل از تبیان، 1378، 21). از نگاه ایشان بزرگ ترین دستاورد انقلاب تحول حاصل شده در بانوان ایران بود و این تحول بیش از تحولی است که در مردان حاصل شد.

به طور سنتی عرصه سیاست عرصه ای مردانه تلقی می گردید ولیکن امام خمینی پیوندی میان مفهوم سیاست و دو مفهوم «زنان» و «اسلام» ایجاد نمود. امام با بزرگداشت نقش زنان به عنوان طیفی که در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند، همواره تأکید داشتند که زنان می بایست با شرکت فعالانه خود پیروزی و

سربلندی ملت ایران را هرچه بیشتر تضمین کنند. چرا که شرکت در این امر برای مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است.

پس از انقلاب اسلامی و استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، امام زنان را بیش از پیش تشویق به حضور و فعالیت اجتماعی و سیاسی نمود؛ امری که در دوران پهلوی به علت فضای نامناسب اجتماعی بارها مخالفت خود را با آن اعلام کرده بودند؛ به بیان ایشان «البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن مانعی ندارد، لکن نه آن طوری که رژیم پهلوی می خواستند. آن ها نظرشان این نبود که زن اشتغالی پیدا بکند. نظرشان این بود که زنان را مثل مردها، هم زنان و هم مردها را از آن مقامی که دارند منحل کنند. نگذارند یک رشد طبیعی برای زن پیدا شود.» (تبیان، 1378، 70). امام با اصل قرار دادن حفظ عفت در انجام وظایف اجتماعی بر این اعتقاد بودند که امروز باید خانم ها، وظایف اجتماعی و وظایف دینی خودشان را عمل کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی کارهای سیاسی و اجتماعی انجام دهند (تبیان، 1378، 71).

طرح موضوع عفت عمومی و حفظ آن شرط اساسی است که مشارکت اجتماعی را در گفتار امام خمینی به عنوان مهمترین تدوین گر گفتمان انقلاب اسلامی از مفهوم همین واژه در گفتمان مدرنیزاسیون متمایز میکند و در عمل نیز چنین مفهومی از مشارکت اجتماعی زنان پس از انقلاب مشروط به حفظ حجاب و شئونات مذهبی در اشکال متنوع خود شد. وی نقش و اهمیت زنان را در پیروزی انقلاب که یک مشارکت سیاسی است فراتر از مردان دانسته و در سخنانی بر نقش مضاعف زنان در انقلاب و پیشبرد نظام اسلامی چنین تأکید میکنند: حتی زنان در انقلاب پیشرو مردان هستند، زنان در صف اول واقع هستند برای اینکه مردها هم از آنها شجاع شدند، از مجاهدات آنها تشجیع شدند. شماها به اسلام خدمت کردید و بعد از این انشالله خدمت میکنید. شما شیرمردان و شیرزنان در ایران تربیت میکنید. دامن شما دامن عصمت، عفت و عظمت است (صحیفه امام، ج 6، 501). چه افتخاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابر قدرتها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده‌اند، در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت نشده است (صحیفه نور، ج 16، 194).

در کنار همه این نقش ها و وظایف، نقش و جایگاه مهم دیگری در کلام رهبری انقلاب و نظام سیاسی نقش زن در جامعه برآمده از آن برای زنان ترسیم میشود که آن انسان سازی و تربیت افراد جامعه است. «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر خود که یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت میکنند.

خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، از خدمت همه کس بالاتر است؛ این امری است که انبیا میخواستند» (صحیفه نور، ج 14، 197).

شاید بتوان محوری ترین نقش ها و ویژگی هایی را که در پرتو کلام امام خمینی (ره) در حکومت اسلامی به زن منسوب میشود در نخستین سخنرانی که ایشان در حضور زنان قم در 13 اسفند 1357 ایراد فرمودند، ملاحظه نمود. ایشان در این باره فرمودند: «خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زن ها هم دارد. همه برای صلاح شماسست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آن ها که می خواهند زن ها را ملعبه مردان و جوانهای فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زنها نباید گول بخورند؛ زنها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزرگ کرده، با سر باز و لخت بیرون برود این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است نه زن. زن باید شجاع باشد؛ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم ساز است؛ زن مربی انسان است» (صحیفه امام، ج 6، ص، 299).

امام خمینی با تأکید بر آموزه های ناب اسلام، در پاره ای از سخنانشان به پند و اندرز زنان همت می گمارد و به این منظور ابتدا از آزادی و کرامتی سخن میگوید که خدا به همه بندگان هدیه کرده و از قوانینی که از حیث محدودیت صرفاً منحصر به زنان نبوده بلکه زنان و مردان را برابر شامل میشود؛ قوانینی که نه از سوی شخص یا گروهی خاص بلکه از سوی خداوند برای صلاح جامعه وضع شده و از این رو نباید در حقانیت و کارآیی آن تردیدی داشت؛ سپس با اشاره به سوء نیت افرادی که عامدانه قصد ملعبه کردن زنها را داشته و دارند، به زنان هشدار میدهد تا در برابر وسوسه های آن هایی که به حجاب و قوانین اسلامی خرده می گیرند آگاه بوده و در مقام تأکید زنانگی بر ساخته مبتنی بر نمایش زیبایی و برهنگی جسم زن را به مثابه عروسک بودگی یعنی فقدان آگاهی، اراده و جسارتی درخور برای شناخت، کرامت و آزادی حقیقی خود و نه گفتن به فریبکاری خیانتکارانی که قصد سوء نسبت به او دارند معرفی کرده و در مقابل زنانگی مورد نظر اسلام مبتنی بر محورهای شجاعت، دخالت آگاهانه در مقدرات کشور خود، تربیت و انسان سازی را برجسته می نماید.

حضرت امام به لحاظ حقوقی زن و مرد را مساوی می داند و اینطور بیان کردند که: از نظر حقوقی تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا هر دو انسان اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله، در برخی موارد تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد. (امام خمینی، 1378، ج 3، ص 49).

همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر مساوی بودن زن و مرد تاکید شده است. زیرا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسلام و بر مبنای حقوق اسلامی تدوین شده است؛ از آنجایی که افراد بعد از انقلاب به دنبال بازیابی هویت اصلی و حقوق انسانی خویش بودند و در این بازیابی، زنان ستم بیشتری از طاعوت متحمل شدند پس استیفای حقوق زنان بیش از پیش مورد توجه نظام اسلامی قرار گرفت. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، به جز مقام رهبری و ریاست جمهوری، که از لحاظ قانونی منع وجود دارد، در مورد بقیه مدیریت ها و مناصب سیاسی کلان کشور و عضویت در شوراهای، منعی برای مشارکت زنان وجود ندارد. از طرفی، بر اساس اصل 21 قانون اساسی، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.

بعد از انقلاب اسلامی تحولاتی بنیادین در حوزه فکری و فرهنگی و قانونی در رابطه با نگرش به مشارکت سیاسی زنان در مدیریت سیاسی کشور رخ داد و همچنین تلاش های امام خمینی در راستای استیفای حقوق زنان منجر به فراهم شدن زمینه مساعدی گردید تا زنان بتوانند در امر مدیریت سیاسی ضرور یابند و مناصب رسمی سیاسی کسب کنند. مناصبی در سطوح مختلف از جمله: در سطح بخشدار، فرماندار، معاون استاندار، سفیر، معاون و مشاور وزیر، معاون و مشاور رئیس جمهور، ریاست سازمان ها و حتی وزیر زن در دولت دهم.

3- نتیجه گیری:

انقلاب اسلامی ایران، بستری مناسب را برای مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان فراهم کرده است. همچنین در قانون اساسی نیز از بعد قانونی منعی وجود ندارد و به زنان اجازه داده می شود عالی ترین مقام های سیاسی را احراز کنند و و اگر موانعی وجود داشته باشد بیشتر بعد فرهنگی دارد که به نیاز به زمان برای تغییر تدریجی دارد.

بر اساس گفتار و سخنرانی ها و متون به جا مانده از امام خمینی اینطور می توان نتیجه گرفت که نظر امام خمینی نسبت به مشارکت و مدیریت زنان در امور سیاسی و اجتماعی مثبت است. همچنین مشارکت سیاسی زنان و کسب مناصب رسمی سیاسی توسط آنان نسبت به قبل از انقلاب مطلوب تر گردیده است؛ به گونه ای که تاکنون زنان توانستند مناصب سیاسی گوناگونی در سطح فرماندار، بخشدار، معاون استاندار، معاون وزیر و رئیس جمهور، ریاست سازمان ها و حتی وزیر زن در دولت دهم را کسب کنند. البته همچنان ضرورت تلاش برای ارتقا سطح مشارکت کیفی و کمی زنان در مدیریت سیاسی، بازنگری قوانین و تلاش برای ایجاد تغییر نگرش به مدیریت سیاسی زنان الزامی است.

نکته ای که حائز اهمیت است این است که در جامعه ای همچون ایران موانع فکری و فرهنگی پررنگ تر از موانع قانونی است چراکه تاریخ نشان داده حتی اگر موانع قانونی مرتع شود اما موانع فکری و فرهنگی مانع از حضور عملی زنان می گردد و یا در کمیت و کیفیت حضور زنان در عرصه مدیریت سیاسی تاثیر منفی می گذارد. در پایان، نگارندگان این پژوهش راهکارهایی را جهت ارتقا سطح مشارکت سیاسی زنان در مدیریت سیاسی کشور برای آینده ارائه می دهند که شامل: نیاز به رشد تدریجی خودباوری در زنان نسبت به فعالیت های سیاسی، رشد تدریجی آگاهی جنسیتی در سطح آموزش و سلامت، تحول قانونی در ارتباط با کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی زنان، فعالیت های سیاسی گروهی و سازمانی مانند احزاب برای کسب حمایت گروه و سازمانی خاص جهت حضور در رده های بالای سیاسی و در نهایت، حمایت های سیاسی و اقتصادی نظام از زنان می باشد.

4- **تعارض منافع:** طبق اعلام نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

5- **مشارکت نویسندگان:** پژوهش حاضر با مشارکت دکتر مرتضی علویان و راضیه ابراهیمی نگاشته شده است.

منابع

الف) فارسی

1. ابرکرامبی، نیکلاس؛ استفان، هیل و برایان، ترنر (1367). *فرهنگ جامعه شناسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
2. ابطحی، حسین؛ شهریاری، قاسم (1393). « بررسی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان مطالعه موردی شهر بوشهر». *زن در توسعه و سیاست*، دوره دوازده، شماره 2، ص 285-286.

3. احمدی، سید محمد (1388). «مشارکت سیاسی زنان در ایران غرب و اسلام»، مجله پژوهشنامه اسلام، شماره 42، ص 122-123.
4. استاک، روح الله؛ نوابخش، مهرداد و قاسمی، یارمحمد (1396). «جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان های ایرانی (با تأکید بر گفتمان امام خمینی)»، زن و فرهنگ، دوره نه، شماره 35، ص 9.
5. آل غفور، محمد تقی و کاشف الغطاء (1387). «فصل جدید مشارکت سیاسی زنان در ایران»، بانوان شیعه، دوره پنج، شماره 18، ص 148.
6. امام جمعه زاده، سید جواد؛ ابراهیمی پور، حورا و رهبرقاضی، محمود رضا (1392). «سنجش رابطه ی فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان»، زن در توسعه و سیاست، دوره یازده، شماره 1، ص 110.
7. بشیریه، حسین (1372). «مشارکت سیاسی زنان»، مجموعه مقالات در سمینار مشارکت زنان، امور اجتماعی، استانداری تهران، تهران، ص 212.
8. تیان، دفتر 8، بررسی نقش و جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام، 1378.
9. خسروی، محمدعلی؛ دهشیار، حسین و ابطحی، صفی ناز السادات (1391). «چگونگی توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم گیری سیاسی در ساختار ملی و بین المللی»، روابط بین الملل، دوره پنج، شماره 20، ص 101.
10. خمینی (ره)، روح الله (1378). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
11. خمینی (ره)، روح الله (1378) صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
12. سجادی، عبدالقیوم (1379). «مبانی فقهی مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال دوم، شماره هشتم، ص 73.
13. شیخ زاده، حسن؛ آصفری، محمدحسن (1399). «ارزیابی مشارکت سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عوامل مؤثر بر آن»، زنان و خانواده، دوره هشت، شماره 18، ص 9.
14. علی حسینی، علی؛ نظری، مینا (1394). «بررسی مشارکت سیاسی زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، زن و فرهنگ، دوره هفت، شماره 27، ص 8.

15. قادری، ریحانه (1399). «نقش امام خمینی در تبیین و احیای جایگاه زنان با تأکید بر نهضت اسلامی»، *تاریخ، سیاست و رسانه*، دوره سوم، شماره 3، ص 79.
16. کاشف الغطاء، فاطمه (1389)، «جایگاه و حقوق سیاسی زنان در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، *زنان و خانواده*، دوره سوم، شماره 6، ص 37.
17. کاوه تلاوکی، مسعود؛ جعفری، انوش و عباسی، سمیه (1393)، «مقایسه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در دوران مشروطیت، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات جامعه شناختی جوانان*، دوره پنجم، شماره 16، ص 107-122.
18. مصفا، نسرین (1375). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران: وزارت خارجه. ص 35.
19. نیک خواه قمصری، نرگس؛ صادقی فسائی، سهیلا (1391). «زنان فراتر از نقش های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره)»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره چهارم، شماره 2، ص 6 و 8.
20. وکیلی، الهه (1400). «نقش اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در مشارکت فراگیر سیاسی اجتماعی زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن»، *پژوهش های انقلاب اسلامی*، دوره دهم، شماره 36، ص 141.
21. یحیایی ایله ای، احمد (1390). «تحلیل گفتمان چیست؟»، *نشریه بین المللی روابط عمومی*، سال دهم، شماره 60، ص 60-61.

ب) انگلیسی

1. Jorgenson and Philips, L (2002) *Discourse Analysis as Theory and Method*, Sage publication, London.
2. Wodak, Ruth (2001a) *The Discourse- Historical Approach In Method of Critical Discourse Analysis* Edited by Ruth Wodak, Sage publication, London.
3. Wodak, Ruth (2001b) *What CDA is about-a summary of its history important concepts and its developments in Method of Critical Discourse Analysis* Edited by Ruth Wodak London: Sage publication.